

گاز و کشورهای درحال توسعه

# موانع موجود در راه توسعه منابع گاز، ساختار صنایع و توسعه بخش گاز در بازارهای جدید

۱- مقدمه

## ۱-۱ محیط کار و چارچوب حقوقی

بسیاری از کشورهای درحال توسعه در جهت حرکت به سوی اقتصاد بازار قدم برمی دارند. بهای انرژی که سابقاً توسط دولت تعیین می شد اکنون اجازه یافته تا به سطح بازار نزدیک شود.

سرمایه گذاران خصوصی در مورد طرحهای عمده زیرساختی از جمله طرحهای تولید گاز و خط لوله به سرمایه گذاری پرداخته اند و در مواردی بسیار، شرکت های نفت و گاز خصوصی شده اند.

با افزایش حجم سرمایه گذاری خصوصی در طرحهای زیربنایی کشورهای در حال توسعه و با جهانی شدن بازار انرژی، دولتها در جذب سرمایه در بخشهای نفت و گاز به رقابت پرداخته اند.

سرمایه گذاری از جمله موانع اصلی در راه توسعه منابع گاز به شمار رفته و در نتیجه شیوه های جدید جهت جذب سرمایه های خصوصی به وجود آمده اند. از این دیدگاه، سرمایه گذاران بدنبال طرحهایی هستند که از نظر تجاری و بازرگانی مهم باشند، برای بخش خصوصی و دولتی نقش روشن ترسیم نموده و خطر ریسک را هم تا حد ممکن پایین آورند. این طرحها دربرگیرنده محیط شفاف و قابل پیش بینی تجاری است که در سیاست گذاری بخش گاز، قوانین، آئین نامه و چارچوبها نهادی تلقی می شود.

بانک جهانی به منظور مقابله با چالشهای سرمایه گذاری در محیط متغیر، از طریق کمک به کشورها به روشهای ذیل، سعی دارد کشورها را در جهت کاهش خطراتی که با آن روبرو

هستند و در جهت تعدیل سیاستهای خود یاری دهد:

- برقراری فضای مناسب تجاری (قوانین، آئین نامه‌ها، ساختار نهادینه و سیاستهای نفتی شامل قیمت گذاری)

- تهیه تضمین های جزئی یا گزینشی (ریسک سیاسی، تبدیل ارز خارجی و تعهدهای قراردادی دولت)

بانک جهانی همچنین در پروژه های سرمایه گذاری با ریسک کم در مورد سرمایه گذاران و تسهیل کننده اصل طرحهایی که می بایست بوسیله بخش دولتی و یا با همکاری مشترک بخش دولتی و خصوصی اجرا شود، شرکت خواهد نمود.

سرمایه گذاران خصوصی، اعم از داخلی و خارجی، باید مطمئن شوند که سرمایه شان محفوظ مانده و با خود ایشان نیز به صورت معقول و منطقی رفتار خواهد شد. این اطمینان از طریق ایجاد فضای شفاف و قابل پیش بینی تجاری همراه با چارچوب حقوقی نظام مند حاصل خواهد شد.

در بخش نفت و گاز کشورهای طرف حساب بانک جهانی، چارچوب حقوقی و قانونی از موافقتنامه های تولید بالادستی و قراردادهای فروش گاز در کشورهایی که در آنها تنها چارچوب حقوقی جزئی وجود دارد گرفته تا آنهایی که چارچوب حقوقی جامع وجود دارد عمل می نماید که این بخش شامل قانون هیدروکربنی در بخش بالادستی و قانون گاز در بخش پایین دستی می باشد. در مورد نخست اغلب چنین است که سرمایه گذاران جهت کسب اطمینان خواستار تائید قرارداد از سوی دولت هستند.

بعضی از کشورها در چارچوب گزینه بینابینی دو مورد فوق عمل می کنند.

بدین معنی که شرکت های فعال در بخش پایین دستی صنعت گاز تحت شرایط ویژه ای که در مجوزها و آئین نامه های دولتی صادر شده اند عمل می کنند.

موارد مهم و کلیدی که سرمایه گذاران پیش از مبادرت به امر سرمایه گذاری بررسی می کنند از این قرارند:

- بهای مصرف کننده و ضوابط آن

- تعرفه انتقال و ضوابط آن

- ساختار آینده صنعت

- قوانین اجرایی، حل و فصل مناقشات و قابل اطمینان بودن نظام پرداخت

- قوانین سرمایه گذاری از جمله استرداد سود، مقاله حاضر چگونگی ایجاد فضای مناسب تجاری به خصوص ساختار صنعت،

قیمت گذاری و تعرفه انتقال را با بهره گیری از نمونه هایی از موارد اجرا شده در کشورهای مالزی، مکزیک و ویتنام، مورد ارزیابی قرار می دهد.

## قوانین هیدروکربنی

تقریباً تمامی کشورها دارای قوانین در خصوص اکتشاف و بهره برداری از منابع هیدروکربنی خود هستند. این قوانین چارچوب اصلاحات و شرایطی از قبیل مجوزها، نمونه قراردادها و نظام مالیاتی که سرمایه گذاران تحت آن عمل خواهند کرد را تعریف می کند. اجرای قانون مربوط به عقد قرارداد و انجام مفاد آن و تنظیم مقررات مالی پذیرفته شده در



## دولت ها در جذب سرمایه در بخش های نفت و گاز به رقابت پرداخته اند



خصوصاً بهره برداری، از دیگر اجزای سیاستی کارآمد برای فعالیتهای بالادستی به شمار می رود.

برخی از کشورها در خصوص بخش پایین دستی گاز دست به تدوین قوانینی ملی تحت عنوان "آئین نامه گاز" زده اند. آئین نامه گاز اهداف سیاست توسعه، رقابت و عملکرد بخش پائین دستی گاز را تعیین و همچنین چگونگی پرداخت حق معافیت، اعطای مجوز، روش قیمت گذاری و حقوق و الزامات تولیدکنندگان گاز را تعریف می کند.

برخی از قوانین و آئین نامه های گاز شامل مفادی در خصوص ایجاد کارگزاریهای هماهنگ کننده اعم از شخصی و یا به صورت هیئت و کمیسیون هستند. آئین نامه گاز به خودی خود چارچوب اجرایی روزانه کارگزاریهای هماهنگ کننده را تشکیل می دهد. این کارگزاریها به محض تأسیس باید در سرمایه گذاران و مصرف کنندگان این اعتماد را به وجود آورند که با آنها منصفانه رفتار خواهد شد که حصول این امر تنها از طریق اعمال هدف مندی در ارزیابیها، شفافیت در تصمیم گیریها و استقلال از مداخله های سیاسی محقق خواهد شد.

مالزی نمونه ای از کشورهای آسیایی است که با واگذاری وظایف ذیل برعهده مدیر تولیدات گاز، قانون گاز برای بخش پایین دستی خود تدوین کرده است.

## قانون گاز مالزی:

این قانون به وزیر اختیار می دهد تا با انتصاب مدیرکل تولیدات گاز، وظایف زیر را انجام دهد:

- اطمینان از این امر که دارنده مجوز، کلیه تقاضاهای منطقی در خصوص گاز را برآورده خواهد ساخت.

- حمایت از منافع مصرف کنندگان در قبال قیمت، عرضه، کیفیت و امنیت عرضه

- تنظیم کیفیت گاز

- ارتقاء کارایی دارندگان مجوز

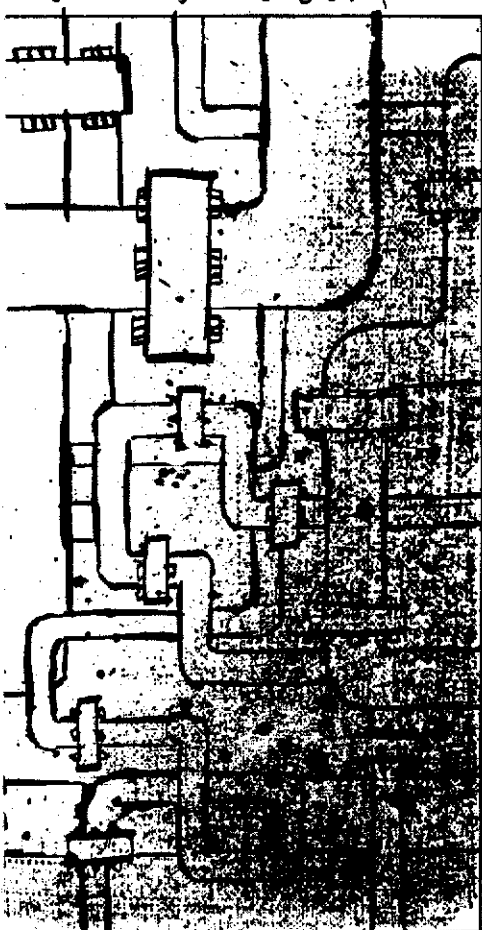
- امکان پذیر ساختن رقابت

مدیرکل می تواند برای عرضه گاز در مناطقی مشخص از طریق خط لوله، مجوز صادر کرده و یا آنرا تعلیق و نسخ نماید. دارنده مجوز نیز تعهداتی به این شرح را دارا است:

- پیروی از تعرفه خط لوله مطروحه در قانون

- تولید در مناطق تعیین شده

- عدم تبعیض میان مصرف کنندگان در



ارتباط با قیمت و یا میزان عرضه در مالزی شرکت توزیع گاز با سرمایه‌گذاری مشترک شرکت‌های خارجی از سال ۱۹۹۲ آغاز به کار کرده است و آیین‌نامه‌های آن اساساً در حمایت از مصرف‌کننده وضع شده‌اند.

دیگر کشورها نیز باهدف افزایش استقلال در برابر دولت اتخاذ چنین موضعی را تحت برنامه‌های ۵ ساله انتخاب کرده‌اند.

نگرش در دیگر کشورهای آسیایی به گونه‌ای دیگر است. قانون نفت در ویتنام چارچوبی برای اکتشاف و تولید در بخش بالادستی نفت و گاز ارائه می‌دهد ولی تاکنون هیچ قانون و یا حکمی درخصوص تعیین عملکرد آتی فروشندگان و صادرکنندگان گاز در بخش پایین دستی وضع نشده است. بدین ترتیب موافقتنامه‌های اساسی در خصوص قیمت‌گذاری، دسترسی، حقوق و الزامات اساساً در قالب قراردادهایی میان تولیدکنندگان خصوصی، صادرکنندگان و شرکت‌های دولتی خریدار گاز شکل خواهد گرفت.

## ۲- ساختار صنعت

فضای روشن و قابل پیش‌بینی تجاری باید متضمن ساختار صنعتی باشد که به سرمایه‌گذار

اطمینان دهد در قبال سرمایه‌اش، دریافتی منطقی خواهد داشت. درکل، سرمایه‌گذاران ساختاری صنعتی را ترجیح می‌دهند که به ایشان امکان توسعه بازار برای فروش گازی را که در پی فعالیتهای اکتشافی ایشان یافت شده است، بدهد.

از دیدگاه تاریخی، صنعت گاز تحت ساختاری براساس یک خریدار، رشد یافته است که در اکثر کشورها نهادی دولتی در سرمایه‌گذاری تأسیس صنعت نقش داشته است. این ساختار از سنت ارائه خدمات عمومی و توزیع گاز شکل گرفته است. در عوض، حرکت کنونی به سمت ساختارهای بازار محور، در بخش گاز با انگیزه دستیابی به منافع حاصل از ابتکارات و کاهش هزینه‌ها که ناشی از فشار رقابت می‌باشد، شکل گرفته است. این منافع عموماً سود بالقوه انحصار دولتی گاز را بیشتر و مهم‌تر می‌سازد.

رقابت ممکن است به شیوه‌های گوناگون و در نقاط مختلف زنجیره گاز ظاهر شود. گزینه‌های محتمل ساختار صنعت از حداقل رقابت گرفته یعنی از سطح انحصار یکپارچه عمومی تا حداکثر رقابت یعنی حالتی که تولیدکننده مجاز به فروش مستقیم حتی به مصرف‌کنندگان خرد می‌باشد. تغییر می‌کند. حالتی میان این دو نیز محتمل است.

صنعت گاز را اغلب به صورت طبیعی انحصاری تلقی می‌کنند. به هر حال برخی از عناصر صنعت چنانکه در ذیل اشاره خواهد شد رقابتی هستند.

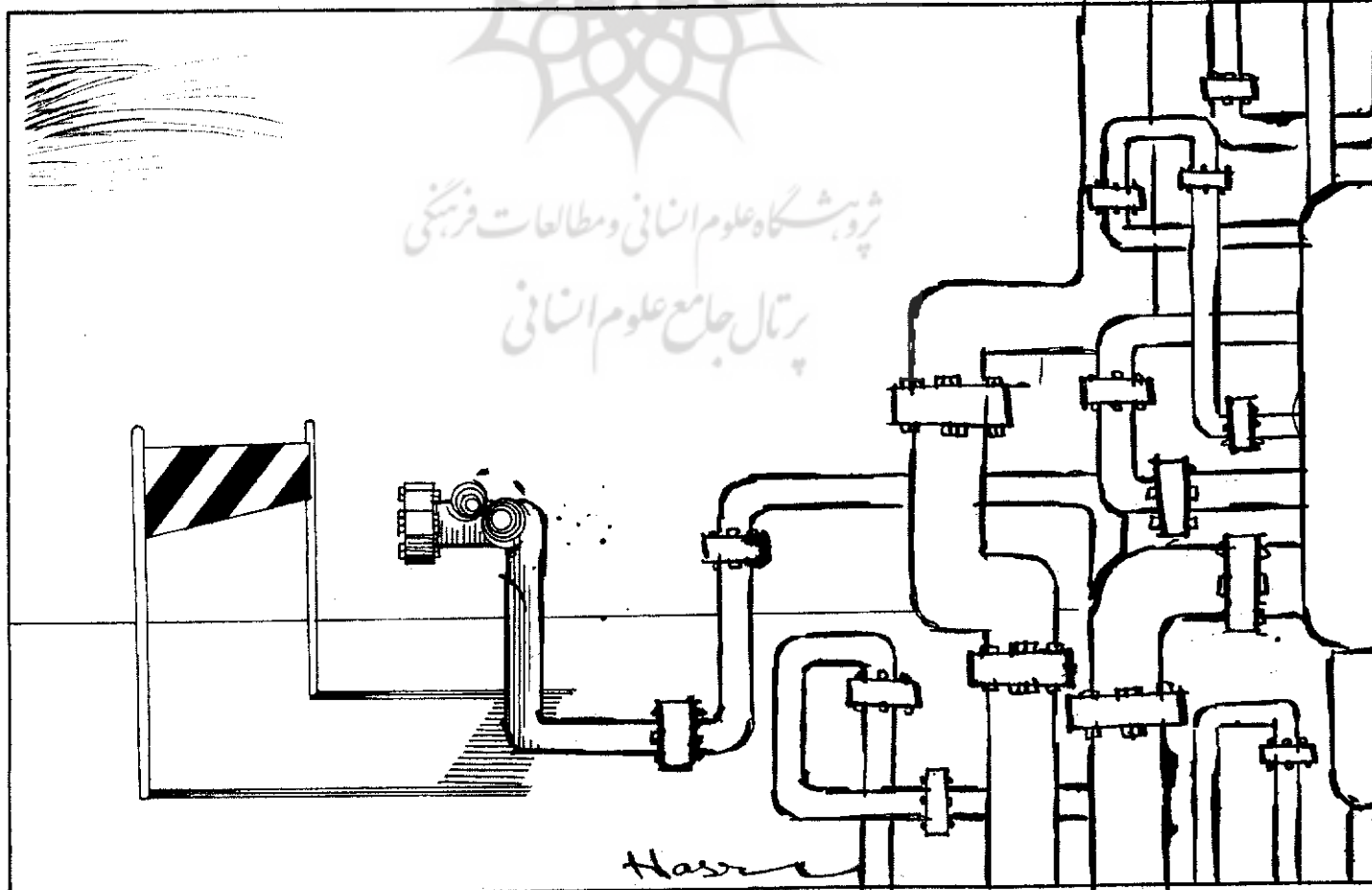
## ۱-۲ بخش بالا دستی

این بخش از زنجیره کاملاً مستعد رقابت می‌باشد. این رقابت با کاهش هزینه‌ها و اعمال فشار رقابتی بر قیمت‌ها به تولیدکنندگان امکان می‌دهد تا در زمینه عرضه گاز به بازار بر رقابت پردازند.

## ۲-۲ بخش پایین دستی

تولید، از انتقال و توزیع گاز از طریق تمرکززدایی عمودی جدا می‌شود. این امر علاوه بر امکان‌پذیر ساختن رقابت در بخشهای مختلف صنعت، سوبسید متقابل میان عناصر مختلف را نیز معلوم می‌دارد.

بدین ترتیب چنانچه انتقال، از توزیع گاز به مشتریان جزء جدا باشد و این خدمت به صورت جداگانه قیمت‌گذاری شود، اعطای سوبسید به مشتریان جزء از طریق قیمت گاز در مقایسه با خریداران عمده که بطور مستقیم از خطوط انتقال گاز دریافت می‌کنند، دشوار



می‌گردد. تمرکززدایی افقی یا جداسازی مناطق توزیع جغرافیایی و اجازه ظهور رقابت از طریق مقایسه میان مناطق توزیع، فعالیت‌های بازار را از هم تفکیک می‌کند. نوع دیگر تمرکززدایی افقی، فروش فرآورده‌های مختلف نظیر گاز طبیعی و LPG به منظور ایجاد و افزایش رقابت میان این دو سوخت است.

### ۲-۳ خطوط لوله

رقابت در خطوط لوله گاز ممکن است به شکل‌های مختلف ظاهر شود: ۱- مزایده برای انحصار امتیازات و یا مجوزها ۲- رقابت از طریق دسترسی آزاد.

هنگامیکه حق معافیت، امتیاز و یا مجوزی به مزایده عمومی گذاشته شود، رقابت تنها به صورت ظاهر شدن به عنوان تنها عرضه‌کننده بازار مطرح می‌شود. معیار انتخاب می‌تواند براساس بالاترین پیشنهاد و کم هزینه‌ترین عرضه کننده باشد و یا اینکه گزینش می‌تواند براساس ارزیابی پروژه‌های مختلف توسعه نظیر توزیع گاز در منطقه‌ای بخصوص صورت گیرد که در موارد اخیر برنده لازم نیست معافیت را پرداخت کند بلکه متعهد کار و یا طول خط لوله و اتصالات آن خواهد بود.

هنگامیکه امتیاز به خط لوله تعلق گرفت، دیگر میان عرضه‌کنندگان بازار رقابتی نمی‌تواند به وقوع بپیوندد. تعدیل قیمت‌ها تنها از طریق تنظیم همان امتیاز ممکن خواهد بود. مزایده مجدد امتیاز، راه دیگری است برای تنظیم اقتصاد آن.

مدت زمان بازپرداخت سرمایه در بخش گاز عموماً بلند مدت بوده و مجوز سرمایه‌گذار برای کسب نرخ قابل قبول سود در قبال سرمایه‌گذاری نیز طولانی مدت و متجاوز از ۲۰ سال خواهد بود. بدین ترتیب تنظیم قیمت امتیاز گزینه‌ای منطقی خواهد بود.

### ۲-۴ دسترسی آزاد به خط لوله

دسترسی آزاد به خطوط لوله انتقال گاز به تولیدکنندگان آن این اسکان را می‌دهد که مستقیماً با خریداران وارد مذاکره شوند. با حضور تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان زیاد، بازاری رقابتی شکل خواهد گرفت.

در نظام دسترسی آزاد، دسترسی به خط لوله از طریق انعقاد قرارداد میان صاحب خط لوله و تولیدکننده یا خریدار گاز تعیین می‌گردد. این قراردادها اغلب برپایه - FIRST COME/FIRST SERVE

امضا می‌شود و در این نوع دسترسی مالک تا مادامی که تمام ظرفیت ذخیره شده تکمیل نشده ملزم به توسعه ذخیره نیست. (این شیوه با خط لوله مشترک انتقال تضمین و دسترسی به ظرفیت حمل و نقل از طریق سرشکن ساختن کاهش حجم گاز انتقالی دیگر مصرف‌کنندگان تفاوت دارد. در این مورد مالک خط لوله ملزم به تهیه ظرفیت بیشتر نیز هست).

### ۲-۵ عدم انحصار

جهت اعمال فشار به دارنده امتیاز در افزایش انتقال، امتیاز نباید حالتی انحصاری داشته باشد. این بدان معناست که ورود به صنعت با توسعه قوانین و مقررات ممنوع نشده و چنانچه سرمایه‌گذاران ثابت کنند که احداث خطوط لوله جدید و کار از نظر اقتصادی بهتر می‌تواند به عموم مردم نفت و یا گاز برساند می‌توانند به احداث آن اقدام نمایند.

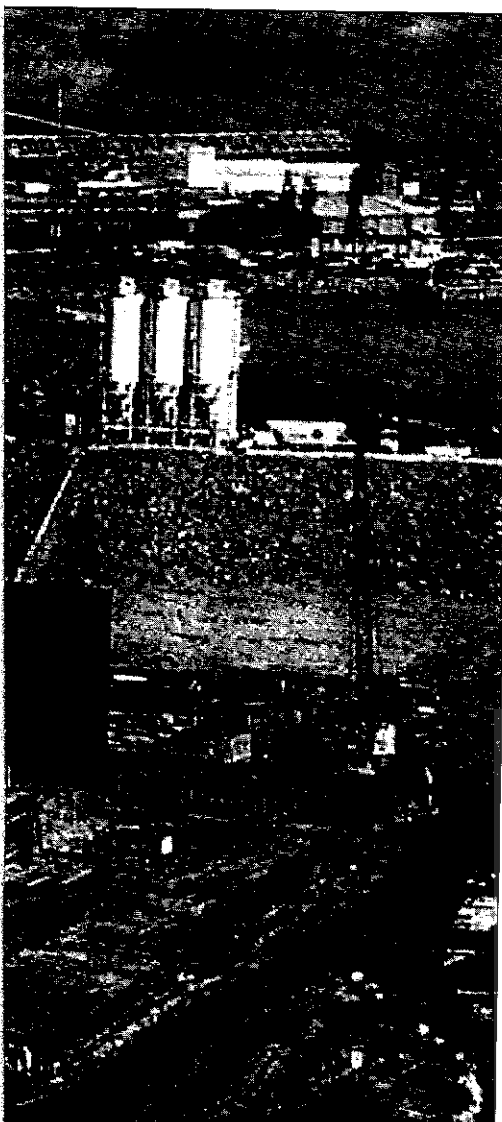
### ۲-۶ تحدید / تفکیک مالکیت

حتی در صنعت غیرمتمرکز نیز بخش‌های مختلف می‌توانند از طریق مالکیت بر دیگر اجزاء تأثیر بگذارند. برای جلوگیری از تأثیرات نامطلوب و منفی، هیچ تولیدکننده و یا مصرف‌کننده‌ای مجاز به کنترل سهم در شرکت حمل و نقل نبوده و هیچ تولیدکننده‌ای حق نظارت بر عملیات توزیع را ندارد.

■ ■ ■  
سرمایه‌گذاران خصوصی می‌خواهند مطمئن شوند که سرمایه‌شان محفوظ می‌ماند و با ایشان منطقی رفتار می‌شود

### ۲-۷ برنامه ریزی و توسعه

برنامه‌ریزی و توسعه خطوط لوله نباید خارج از ضوابط فنی کلی و محیطی انجام پذیرد. ساختار صنعت در تلاش برای جذب سرمایه‌های خصوصی باید به دقت نقش تمام طرف‌های ذیربط را تعریف کند. این امر از طریق تمرکززدایی و تحدید مالکیت چندگانه محقق خواهد شد. رقابت نیز در هر نقطه ممکن، باید

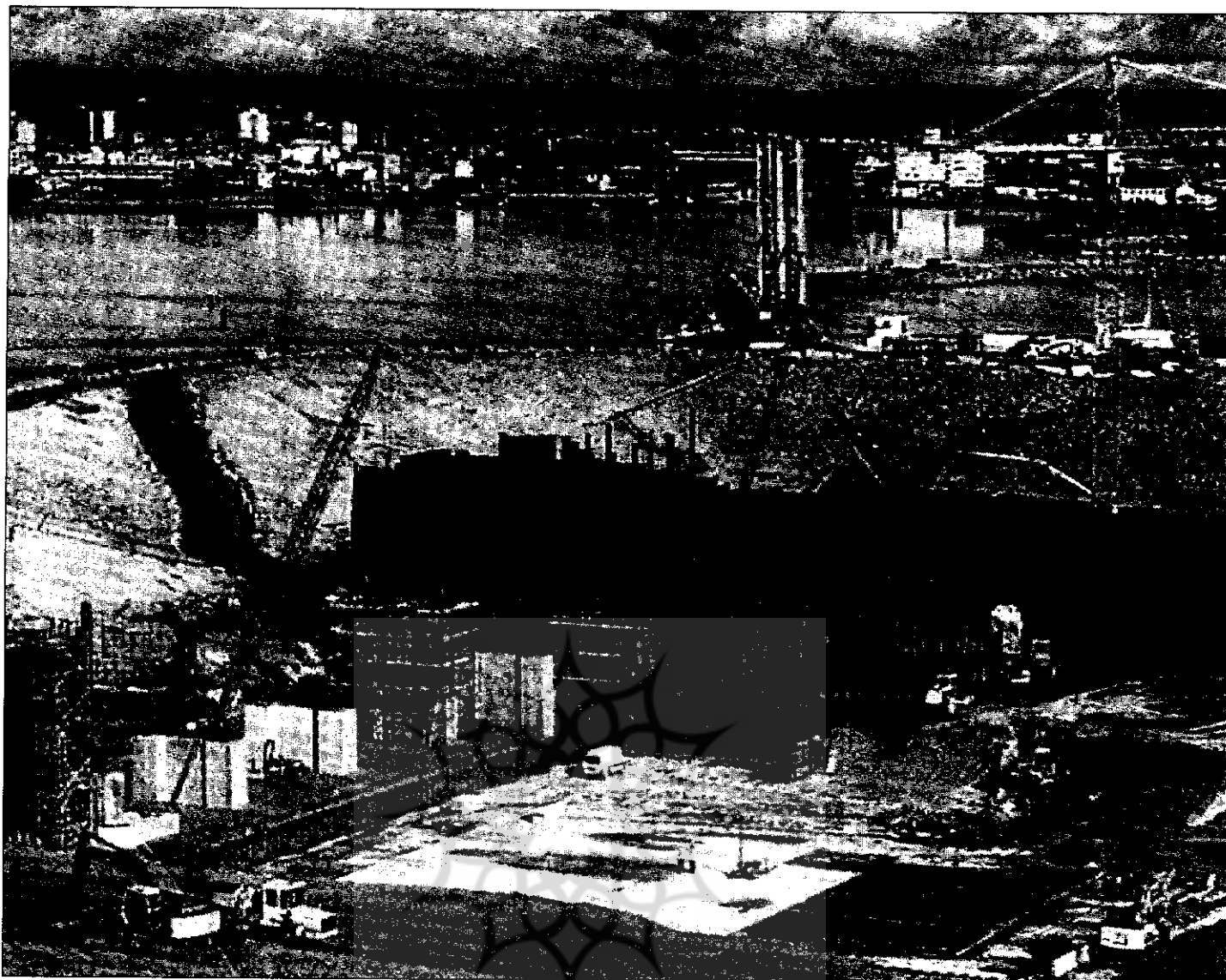


به وقوع بپیوندد (میان تولیدکنندگان و از طریق دسترسی آزاد و غیرانحصاری احداث خط لوله).

به هر حال هنگام راه‌اندازی یک صنعت، ساختار غیرمتمرکز می‌تواند امر سرمایه‌گذاری را بسیار دشوار سازد به خصوص اگر بانک‌های تجاری نیز این ساختار را به عنوان عامل افزایش ریسک تلقی کنند.

در زیر نشان داده شده که چگونه مکزیکی ساختار پایین دستی صنعت گاز و چارچوب قانونی آن را برای جذب سرمایه‌گذاری تغییر داده است.

ساختار جدید شامل دسترسی آزاد به خط لوله، حمل و نقل غیرمتمرکز و خرید گاز و تنظیم قیمت براساس انگیزه است. ولی باید خاطر نشان نمود که شرکت ملی نفت و گاز PEMEX انحصار خود بر بخش بالادستی را همچنان حفظ کرده است.



## ضوابط و ساختار جدید صنایع پایین دستی در مکزیک تغییرات قانونی:

الف: اصلاحیه قانون اساسی در خصوص قراردادش تولید گاز، ذخیره سازی و فروش آن در انحصار PEMEX.  
ب: شرکت‌های خصوصی می‌توانند ذخیره سازی و توزیع گاز را انجام دهند.

### ضابطه

فروش دست اول و فعالیتهایی از قبیل حمل و نقل، ذخیره‌سازی و توزیع برای سرمایه‌گذاران خصوصی آزاد است.

## اهداف قوانین کمیسیون تنظیم انرژی (CRE):

- دسترسی آزاد به خط لوله
- عدم تمرکز در بخش حمل و نقل، ذخیره‌سازی و خرید گاز
- آزادسازی صادرات و واردات
- تنظیم قیمت براساس انگیزه
- به مزایده گذاشتن امتیازها
- تقویت CRE
- مرکزیت بخشیدن عملکردهای تنظیمی
- استقلال
- تعریف قدرت وظایف
- پیش‌بینی مشاغل، سازمان و فعالیتها

## ۳- قیمت گذاری

قیمت گذاری مناسب در بخش گاز تا حد زیادی بستگی به چارچوب نهادی و ساختار صنعت دارد. قیمت‌گذاری در صنعتی که به صورت شرکتی یکپارچه و واحد و نظام سلسله مراتب عمومی اداره می‌شود با شیوه

قیمت‌گذاری در نظامی غیرمتمرکز که در آن شرکت‌هایی چند برسر مشتریان موجود به رقابت می‌پردازند، تفاوت دارد. معمولاً هدف از قیمت‌گذاری این است که قیمت سرچاه، تعرفه انتقال و بهای مصرفی از شرایط زیر برخوردار باشد:

- مشوق کارایی باشد. کارایی اقتصادی، با کمک به این امر که تقاضا با حداقل قیمت برآورد شده است موجب رشد و تقویت تخصیص منابع می‌گردد.

این سیاست را می‌توان به صورت سیاستی که بدون توجه به نحوه توزیع سود خالص، آنرا تا سر حد امکان افزایش می‌دهد تعریف نمود.

قیمتهای شاخص هزینه‌های اقتصادی شرط لازم جهت تخصیص منابع به شمار می‌روند.

- تضمین مالی و فراهم آوردن انگیزه کافی برای جذب سرمایه. هدف از تضمین مالی جلب نظر جهت جذب سرمایه‌های خصوصی می‌باشد.



- اطمینان از این امر که مشتریان پولی بیش از قیمت عرضه نخواهند پرداخت. حصول این امر از طریق پیشگیری از سوبسیدهای متقابل امکان پذیر خواهد بود.  
در ذیل به شرح رهیافتهای قیمت گذاری در چارچوب الگوهای مختلف خواهیم پرداخت:

### ۱-۳ قیمت گذاری براساس بازار

کشورهای بسیاری از این شیوه تبعیت می کنند. قیمت گاز به قیمت منابع گرمای جایگزین نظیر گازوئیل، نفت و یا انرژی برق وابسته است. این شیوه قیمت گذاری به طور طبیعی به اختلاف قیمت میان مصرف کنندگان منجر می شود به این معنی که قیمت گاز فروخته شده به یک مصرف کننده در مقایسه با قیمت سوخت جانشین و جایگزین ممکن است متفاوت باشد و در نهایت بدان معنا خواهد بود که مصرف کننده بیش از قیمت عرضه بها پرداخت می کند. همچنین بدلیل آنکه قیمت گاز مؤید عرضه و تقاضای دیگر سوختهای جایگزین است هدف کارایی اقتصادی نیز نقض می شود و برخی از دولتها برآند تا سوختهای جایگزین را یا به صورت مستقیم قیمت گذاری کنند و یا اینکه آنها را از

طریق مالیات و سوبسید تعدیل نماید. اگر نظام قیمت گذاری براساس بازار اعمال شود، آنگاه رقابت تنها در سطح برخی از فروشندگان عمده محدود و بدین ترتیب دسترسی به شبکه های انتقال و توزیع نیز باید محدود گردد.

### راه اندازی یک صنعت با ساختار غیر متمرکز می تواند سرمایه گذاری را دشوار کند

وضعیت بسیار از تولیدکنندگان و دسترسی آزاد به شبکه انتقال، کار قیمت گذاری برطبق قیمت دیگر سوختهای جایگزین را بسیار دشوار نموده است چرا که خریداران به فرآورده های بیشتری دسترسی داشته و رقابت موجب کاهش قیمتها خواهد شد. چنانچه رقابت در حد بالا وجود داشته باشد، می توان قیمت خرید گاز را در سرچاه و یا در مرز (هنگام واردات) از طریق مذاکره خریداران و

فروشندگان تعیین کرد. تولیدکنندگان برای انحصار طلبی باید رقابت کنند ولی رقابت گسترده مستلزم وجود مشتری است. هنگامیکه یک تولیدکننده و یا گروه کوچکی از آنها دسترسی به شبکه انتقال را در کنترل داشته باشند رقابت گاز از پویایی لازم برخوردار نخواهد بود.

قیمت گذاری براساس بازار در کشورهایی توصیه می شود که در آنها عرضه گاز با محدودیت روبه روست. چنانچه عرضه گاز به حد کافی باشد، این شیوه از قیمت گذاری انگیزه لازم برای کارایی را از میان می برد. قیمت به هر دو مصرف کننده و تولید کننده هشدار لازم را می دهد. تولید جهت حفظ معیارهای کارایی می باید براساس هزینه های پرداختی عرضه گاز صورت گیرد. قیمت گذاری براساس بهای دیگر سوختهای جایگزین لزوماً مؤید هزینه های گاز طبیعی نیست.

### ۲-۳ قیمت گذاری براساس هزینه: ضوابط انتقال

بیشتر درخصوص ساختار صنعت گاز اشاره کردیم که رقابت در جای ممکن باید عملی گردد. در این ساختار می توان قیمت گاز



#### ۴- نتیجه

جهت غلبه بر موانع موجود در توسعه صنعت گاز و جلب سرمایه‌گذاری خصوصی در این بخش توصیه می‌شود که:

- چارچوب‌های حقوقی و قانونی تا سرحد امکان روشن و واضح باشد.

- حقوق و تعهدات اساسی سرمایه‌گذاران جهت افزایش اطمینان و مشارکت ایشان از طریق قانونی تصریح گردد.

- جهت تأمین اهداف و استقلال رأی در امر تصمیم‌گیری، نهادی هماهنگ کننده و مستقل تشکیل گردد.

- ساختار صنعت باید به گونه‌ای شکل گیرد که در آن نقش تمام بازیگران به وضوح تعریف شود. این امر از طریق تمرکززدایی و تحدید مالکیت محقق خواهد شد.

- رقابت در جریان‌های بالادستی، دسترسی آزاد به سیستم انتقال و حذف انحصار طلبی‌های منطقه‌ای موجب افزایش کلی مؤثر بودن هزینه خواهد شد.

بر اساس تعرفه نرخ بازگشت اداره می‌شوند، دست به اقدام زنند.

عاملان حمل و نقل در برخی از کشورها با استفاده از سقف قیمت به کنترل هزینه‌های انتقال می‌پردازند. شرکت می‌تواند برای مدت زمانی مشخص مثلاً حدود ۴ یا ۵ سال تعرفه را افزایش دهد بخصوص چنانچه متوسط قیمت سریعتر از سقف قیمت افزایش نیابد.

تثبیت قیمت در مقایسه با تعرفه نرخ بازگشت محرکی است برای کاهش هزینه‌هایی که تا بازمبانی هماهنگ کننده بعدی به صورت بهره انباشته می‌شود. دریافت‌های سریع تولیدی در شبکه‌های جدید چندان قابل انتظار و تصور نیستند و تثبیت قیمت تنها جهت تنظیم تعرفه توزیع گاز به مشتریان جزء مورد استفاده قرار می‌گیرد. در خصوص تنظیم تعرفه توصیه می‌شود که:

- از آنجا که تعرفه نرخ بازگشت، موجب تشویق کارایی اقتصادی نمی‌شود، تعرفه انتقال باید انگیزه کاهش هزینه و افزایش کارایی را در برداشته باشد.

- مصرف کنندگان و مالکان باید در کاهش هزینه و افزایش درآمدهای حاصل از بهره‌برداریهای عظیم سهم و شریک باشند.

را در سرچاه و از طریق مذاکره آزاد میان خریدار و فروشنده تعیین کرد و نیاز به ضوابط قیمت‌گذاری نیست. مصرف‌کنندگان عمده که مستقیماً به خرید از سوی تولیدکننده مبادرت می‌کنند، بنا دارا بودن حق انتخاب دیگر سوخته‌های جایگزین، می‌توانند در خصوص قیمت‌گذاری با خریداران، آزادانه به مذاکره پردازند. ضوابط قیمت‌گذاری برای خریداران جزء ضروری بوده و در ذیل به شرح ضوابط تعرفه‌های انتقال می‌پردازیم.

تعرفه‌های انتقال معمولاً بر اساس هزینه خدمات وضع می‌گردد. تعرفه‌های مربوط به هزینه معیارهای اقتصادی پیشتر تعیین شده را تأمین نمی‌کند. مشکل اصلی عدم توانایی این تعرفه‌ها برآورده ساختن کارایی اقتصادی است چرا که نرخ بازگشت از طریق این ضوابط محدود می‌شود ولی افزایش میزان بهره می‌تواند موجب افزایش سود گردد.

اینگونه سرمایه‌گذاری عظیم به ارتقاء سطح غیرمؤثر سرمایه و اختلاط اندک سرمایه و دیگر داده‌ها کمک خواهد نمود.

اخیراً قانونگذاران آمریکای شمالی برآن شده‌اند که با سهم ساختن شرکت‌های خط لوله و مصرف کنندگان در درآمدهای حاصل از بهره‌برداری‌های عظیم و همچنین هزینه‌ها، جهت افزایش کارایی شرکت‌های حمل و نقلی که